ذرەبين

پارادوکس«تحصیلرایگان»و«عدمتحقق آن»

جندی پیش همایش «توسعه و عدالت آموز شی» در دانشگاه صنعتی شریف با حضور کار شناسار ومسئولان مربوطه برگزار شد. علی زرافشان، معاون متوسطه آموزش و پرورش یکی از سخنرانان این همایش بود.در سطور زیر بخشی از سخنرانی این مقام مسئول در وزارت آموز ش و پرور ش آمده

ن.دراينبخشما

آموزشی دور باشد، در آمدی اســت که از این طریق به دست می آورد. در آمد تــا آنجایی برای کودک اهمیت پیــدا کند که برای تعلیم بری و تربیت ارزشی قایل نمی شبود. همین اتفاق و تربیت ارزشی قایل نمی شبود. همین اتفاق باعث می شود حتی اگر ما تا آموزش و پرورش را در دسترس قرار دهیم باز مطالبهای برای ر ر ر ی رو ی رو ی رو ی ارد . تعلیم و تربیت به وجود نیاید. در همین راستا، بهعنوان یک عامل محیطی و بیرونی دیگر باید به از دواج زود هنگام دختران هم توجه ویژهای

در دوره ابتدایی، آموزش و پرورش، بیش از درصد دانش آموزان از هر دو جنس را تحت ۹۸درم پوشش قرار داده است. در دوره اول متوسطه این آمار به بیش از ۸۵ درصد و در دوره دوم متوسطه به بیش از ۷۷ درصد می رسد. نکته قابل توجه اینجاست کـه ۱۵ درصدی که در دوره اول متوسطه به مدرسه نمی آیند دختران هستند. در واقع در

ایسن دوره محدودیتهای فرهنگیی- اجتماعی برای دختران بیشتر وجود دارد و نیاز هست که هرچه زودتر دوليت در بخش اشيتغال کُودکان و دیگر نهادهای فرهنگی و مدنــی در بحث ازدواج زود هنــگام دختران ورود کند تا تمام نیازمندان ه تحصيل بتوانند از آنچه . آمــوزش و پــرورش بــرای تحصيــل آماده كــرده بهره ببرنسد. نکتسه دوم در بح مربوط بــه عوامل محيطى، مربوط بعد عوامل محیقی، به برداشت بازدارنده از اصل سبی قانون اساسی بر میگردد. پارادوکسی از اول انقلاب مطرح شد ک

بین اصل سی قانون اساس بی اصل سی قانون اساسی و تأمیـن منابع برای آمـورش و برورش تضاد ایجاد می کرد. اگرچه که همـواره به تحصیل رایگان تأکید می شود اما این امر محقی نشد و دولت نتوانسـته منابع کافـی برای تحصیل رایگان در کشـور را فراهم کند. این باردوکس ر - می شرود تا روند تکراری دریافت یا عدم باعث می شــود تا روند تکراری دریافت یا عدم دریافت پول از اولیا همچنان ادامه داشته باشد چرا که از یک طرف منابع کافی نیست و از طرف دیگر اداره مدرسه نیاز به منابع دارد. فقر دولتها نیز به شدت افزایش پیدا کرده و دولت توانایی تأمین آن را ندارد. از دیگر عوامل درونی در دوره دوم متوسطه،

ضعف عدم دسترسی به آموزَش مطرح است. ما برای دوره دبستان در سراسر کشور مدرسه داريم. حتى أنجايي كه هيچ نهاد دولتي نقش نداشته، آموزش و پرورش حض ور دارد و با روشهایی مثـل کلاسهای چند پایه راههای موزش را برای کودکان فراهم کرده است اما ط اول و دوم بــا تُوجه به كافي در دوره متوسـ نبودن فضای فیزیکی باعث شــده تا تعدادی ، روی ای ایر ای ایر ای ای ایر این که این که این که این که از تحصیــل محروم شــوند. نکتــه دوم این که رویکرد آموزش فراگیر که یک رویکرد فراگیر می بر ایر جهانی است و ورود دانش آمو با نیازهای ویژه به مدر ت و ورود دانش آموزان

را فرُهـــم می کُند، به شُــکل فراگیر در همه مدارس ندارد تا بتوانيم اين دانش آموزان کــه بخشــی از کــودکان بازمانده از تحصیل هستند را به مدر سه في ا بخوانيم ییے ش از ہے چیےزی بایے د تشےکر کنم از رگزارکننےگان، ہمارشے ----برگزارکننـدگان همایش «توسـعه و عدالت اموزش» که به نحوی حق آموزش را بهعنوان یک مطالب اجتماعی مطـرح کردند و راهی را آغاز کردهاند که جامعه نسـبت به مســاله موزش و پرورش، حساس و مطالبه گر باشد. ا باید نسبت آموزش و پرورش با توسعه بت توسعه را با آموزش و پرورش مورد نوجه قرار داد. در بحث توسـعه، اعم از توسعه نسانی و توسـعه اقتصادی، آموزش و پرورش،

به گروه کشورهای با توسعه بالاانتقال پیدا . آموزش و پرورش یکی از شاخص هایی اس که تاثیر گذاری زیادی روی شاخص های دیگر مثل امید به زندگی و مرگومیر مادران دارد

سهم چشــمگیری دارد. در سالهای گذشته،

جایگاه کشور ما از کشورهای با توسعه متوسط

و همـواره در شـاخص توسـعه انسـانی مـورد توجه بوده اسـت. بخش اگر به توزیع منابع انسانی و علمى نگاهى يېنداز يم،متوجه ديگـر توسـعه مربوط به می شویم همین توزیع هایک عدم تعادل ایجاد کرده که ث توسيعه اقتصادي میشــود. شــاخصهای ست یکی ۔ سعه اقتصادی قابت : آموزش ويروش راهم مبتلا رقابت توسعه اقتصادی درسال ۲۰۱۴ نشـان بوانع فرهنگى واجتماعى میدهد، اگرچه ایران زيادىداريم كەمھم ترين . سببت معکوسیی در بحث آن،بحث اشتغال نوسيعه اقتصادى داشته . کودکاناست.دراینچندسال پديدهاىدر فضاى بين المللى تعلیمو تربیت مطرح شده، تحت عنوان کودکان کار و رشد اقتصادى كودكان خياباني كهبهشكل چشمگیریدرسطحشهر

مىينيم ر نُیهای دیگر هس اقتصادی می شـوند. اما در مـور د نبود عدالت آموزشــی باید گفـت، یکی از ریشــهای ترین

> ر- رـ بیسری داسته بانند. باطور مثال در دوره متوسطه شـاخص مدیریت کیفیت مــارس یـک گزینه است که توجـه به آن مــوتواند شـاخص را افزایش دهـد. همچنین ارتقا شــاخص توسـعه اقتصادى موجب ارتقا ارت ساحق توضعه امتصادی موجه ارتبا توصعه آموزش و پرورش نیز می شود. نکته دوم در مـورد عدم عدالت آموزشــی مربوط بــه عوامـل محیطی می شــود. اگر به توزیع منابع انسـانی و علمی نگاهی بیندازیم.

متوجه می شـویم همین توزیع هـا یک عدم تعـادل ایجاد کـرده که آمـوزش و پرورش را هم مبتلا کر دہ است. در ایس بخش ما موانع فرهنگي و اجتماعي زيادي داريم كه مهم ترين لتغال كودكان اسل حــث آن، بحث اشــ ایس چندسال پدیسدهای در فضای

،، تحت عنوان کودکان کار و کودکان خیابانی که به شکل چُشْـمگیری در سـطح شهر میبینیـم. جــدا از بحثهای همیشــگی؛ یکی از نکاتی که باعث می شود کودک از فضای

است، در ایران کنونی به هیچرو نمی تــوان گفت که آموزش و پرورشی که در جریان است با کیفیت فراخور زمانه وزندگی نوین هماهنگ است، بیشتر کودکان ماه برابر شاخص های تعریف شده جهانی از آموزش کیفی اماً در این پاییس آمدن، آمسوزش کمترین سیهم را داشته است. در واقع وقتی عوامل بازدارنده یا با کیفیت، بر خوردار نیستند. از این رو، شاید بتوان از ه میروند اما به أموزش صفر اســت و این به هر رو، آموزش، در زندگی افرادنقش برجســـتهای دارد. کودکی که از آموزش باز می ماند، به احتمال بسیار که مانع از رشد و توسعه زیاد، فرصت تجربه جهان انتزاع و اندیشــه را از دست

مباحث در عدم دسترسی به عدالت آموزشی این است که بهرغم این که آموزش و پرورش در توسعه انسانی نقش چشـمگیری را ایفا ر را کرده اما اقتصاد و منابع انسانی سهم خود را نسبت به آموزش و پرورش پرداخت نکردند تا آموزش و پـرورش بتواند در شـاخصهای خود رشد بیشتری داشــته باشد. بهطور مثال

بين المللي تعليم و تربيت مطرح

ادامه از صفحه ۹

ندانستنو لطمات سنكين فردى واجتماعي

کردهایم کـه در حوزه آموزش هـر موردی که اعلام نیاز شـود مجُلُس به طوّر جدی پُیگیری خواهد کرد و برای رفع آن گام اساسـی خواهد برداشت. بازماندن از تحمیل بهعنوان معطلی برداشت. بازماندن از تحصیل بهعنوان معضلی که مولد آسـیبهای اجتماعی زیادی میشود، حایز اهمیت بسـیار اسـت که هم مردم و هم مديران آموزشيي بايد خيود را بيراي حل آن مسئول بدانند.

از منظر مسئولان هم بايد توجه داشته باشيم اله فرانهادی و بین بخشی این موضوّع یک مساله فرانهادی و بین بخشی است و نمی توان گفت فقط آموزش و پرورش است و نمی توان کمه فعط اموزش و برورش متولی اصلی است؛ مجلس شـورای اسلامی بهویژه کمیسیون آموزش هـم در این رابطه دفدغه جدی دارد و در همین راستا جلستات متعـدی بـا مسئولان آسوزش و پـرورش داشتهایم؛ در بحث قانون گذاری اعلام آمادگی رباخي 500

کودکبازماندهاز آموزش،چهچیزیرا از دستمیدهد؟

درس خواندن در وقت اضافه

رخاست.از یک نظر، شـاید بتوان چنین گفت که در موزش، هر چه به پایه های نخستین نزدیک می شویم ارزش آموزش، بیشــتر میشــود. یعنــی ارزش دوره دبســـتانی و حتی پیش دبســـتانی –از ارزش دورههای بالاتر، بیشتر اســت چرا که نبود آن، اثرات مهم،تری بر ندگی شخصی افراد و جامعه به طور کلی، می گذارد-ابته در ارزش واهمیت بسیار دورههای نخست آموزش به روشهای دیگری هم می توان استدلال کرد. به همین خاطر است هنگامی که از کودکان بازمانده از آموزش دبســـتانى و راهنمايى سخن مىرود بى گمان احساس زيان واندوه بيشترى در وجود ما پديدمى آيد. البته این سخن به معنای نادیده گرفتن ارزش دوره های

به عالیه بر اندر عسومان برداند. از دوره ابتدایسی می کوشسند بسه نوعی آمار دانش آمسوزان دورههای بالاتر را کم اهمیت جلوه دهند و شگفتانگیز استدلالی است که برخی به دنبال فراگیر کردن و جانداختن آن در جامعه هستند که باً الرزش مصرفی است. انسان هاموجوداتی کنجکاوند وازیادگیری وفراگرفتن دانش ر ای : جانداختن آن در جامعه چون در ۵۰٬۴۰ سال پیش، آموزش و پرورش اجباری تا دبستان تعریف شده پس کودک بازمانده از آموزش نوين،لذتمىبرند دورههای نخست (راهنمایی) و دوم متوسطه، به آموزش و پرورش

، بطی ندار د! موزش و پرورش نبایــدفراموش کند که برابر اصل سیام قانون اساسیی، برخور داری از آموزش و پرورش رایگان، یکی از حقوق بنیادین کودکان است. افزون بر این، معنای آموزش با گذشت زمان در حال دگر گونی

دادهاند. چندی پیش، از یکی از اندیشهوران اجتماعی، به نـام اکریـگ رایدل؛ جســتاری خواندم بـاعنوان ســودهای اجتماعی آمــوزش و پــرورش۱۰ رایدل در بر آمدنوشتهاش چنین آوردهاست:«آموزش و پرورش، د, آمد ـــرای افراد و جامعـــه، پیامدهای فـــراوان دار د. فر آیند آموزش، برای بسیاری از مردم، تااندازمای فرآیندی با «ارزش مصرفی» است. انسان ها، موجوداتی کنجکاوند واز یادگیـری و فراگرفتن دانش نویـن، لذت می برند و ار یکا بستری و دار دهن دسی بویت انک می پرید آصوزش و پرورش همچنین (ارزش ســرمایه گذاری) چشــمگیری دارد آنها که اموزش بیشتری می میند اغلب از زندگیشنان بهره بیشــتری می پرند، سطوح بالاتر اســتخدام را به چنگ می آورند و از پیشــههای ر رضایت بخش تر بر خور دار می شوند آموزش و پرور ش همچنیــن می تواند مــردم را توانا

هدىبهلولى

چندســال پیش،در یکی از زنگـهای تفریح،مدیر مدرســه به اتاق دبیران آمدو مرا صدازدو گفت، آقایی با شــما کار دارد. رفتم دمرد، دیدم مرد میانسال خوش

پوش و مرتبی ایستاده است. پنداشتم که پدریکی از دانش آموزان است و آمده تا درس پسـرش را بپرسد.

کمی که صحبــت کرد در یافتم که نه بــه دنبال درس

يسرش بلكه به دنبال درس خودش آمده! ۲۰ سال پيش

تا دوم دبير سيتان در س خوانده بود و حيالا آمده بوداز

دبیران درس های گوناگون، راهنمایی و کمک بگیرد و برودادامه تحصیل بدهد. به گفته خودش می خواست

. نست کم تا لیسانس پیش برود. دریافتم که وضع مالی

سيارخوبي هم داردو دريكي از پاساژهاي زبانزد تهران،

صاحب ۳ دهنه مغازه است و نزدیک به ۲۰ کار گر

برايش كار مي كنند. گفتم، خب، حالا بااين وضع مادي

فُوق العادة أي كه داري چــرا مي خواهي درسٌ بخواني؟

گفتدیگر نمیخواهم خیس عرق شوم وقتی از مدر ک تحصیلی ام میپرسند!من ۲ فرزند دارم. به مدر سههای

بچەھايم كەمى روم بيشـــتر بەمن پيشنهادمى دھند

ىدر كتحصيلىات چيست، سخت خجل مىشوم و

تمام بدنم عرق می کند. حالا تصمیم گرفته آم که در سُ بخوانم و برای یک بار هم که شده ننگ کمسوادی را از

. باری، در سخواندن و نخواندن، پیامدهای گوناگونی

پیامدهای اجتماعی وفردی آموزش دیدگی و نادیدگی، بحشهای زیــادی کرده و پژوهش هــای فراوانی انجام

یاری از اندیشـهوران اجتماعی هـم، درباره

فودميز دايي.

دار د. بســ

رئيس انجمن اولياى مدرسه بشوم، اما وقتى مى پر س

ســازدتالذت بيشــترى از زندگى ببرنــد، ادبیات و فرهنــگرا پاس دارند و شــهروندانی آگاهتـر و به لحاظ اجتماعى پيچيدەتر شوند. آموزش و پرورش سودهای اقتصادی همچون درآمد بالاتر در طول عمر، سطوح بیکاری کمتر ورضایت شـغلی بیشــتر را در پی ارد.همچنينمي تواند پيامدهايي

کمی فرق دارد و به دلیل سکاری در صد حشــ - ور، می برخی تگان دانشگاهها، می توان در ستی برخی از دانش آموخ از سے خنان بالا را به زیر پر سش برد. در سطح آموزش و پرورش اما شرایط متفاوت است و هنوز هم می توان به ټررو کې د. قوت به دفاع از اهمیت آموزش دید کې در این سـ طح،

مبد پر مسل بیشن بیشنای دیمه مرسی رزمی خورشای بالاتر نیست آن گونه که برخی از فرادستان آموزش و پرورش کنونی و چندسال گذشته، با تأکید بر آمار کــودکان بازمانده آموزش و پرورش، برای افراد وجامعه، پیامدهای فراوان دارد. فرآیندآموزش،برای سیاری از مردم، تااندازهای فر آیندی

> همانند افزایش تندرستی و دیرزیستی راشامل شود». البته در جامعه کنونی ما مسأله مگیری



ـــتندوبه همين دليل، فرزندانشان مجبور

به ترک تحصیل و کار هستند مثل خانوادههای

بیسرپرست، بدسرپرست یا یک سرپرست که در آنها، مادر یا پدر تنهاست؛ یا پیر است و بچهها بایداز

امروزه تقریبا در همه جای ایران، حتی در مناطقی با ۲۰ یا ۳۰ خانوار جمعیت، هم کلاس

مناطقی با ۲۰ این ۲۰ خانور جمعیت، هم لاس درس تشکیل می شود؛ اگرچه امکانات تحصیل کدر بعضی استان های محروم، بسیار کم و محدود است و گاها کلاس ها در چادر تشکیل می شوند و با وجود

همانسنين كودكي كار كنند.



بکی از عوامل آسیببزا در جامعه کــه جرمزایی یحی از طوش استیب از جمعه سه به مرادی و بزهکاری را در پی دارد، بی سوادی یا کمسوادی است. از طرف دیگر، شــرایط اقتصادی، فرهنگی، شــاخـص توســعه یافتگی و ... روی تحصیل و سواد، تأثیر گذار است. یکی از شاخصههای توسعه یافتگی، میزان پوشش تحصیلی است؛ یعنی این که دولت به چــه میزان توانســته شــرایط تحصیـل را برای به چــه میزان توانســـته شــرایط تحصیــل را برای کــودکان در خانوادهها فراهم کند. البته کشــور ما از این لحــاظ وضع خوبی دارد؛ امــااین که ۴۵۰ هزار غر در کشــــور از تحصیل بازماندهاند، ضربه بدی را به جامعه وارد می سازد. از تحصیل بازماندن ۴۵۰ هزار نفر، به این معناست که ۴۵۰ هزار نفر، به هر ترتیب شرایط و موقعیت تحصیل را نداشتهاند؛ و به واسطه همین، بسـیاری از موقعیتهای تحصیلی بعدی و ىوقعيتهاى كارى وشغلى رانيزاز دستخواهندداد. موقعیت میں دری وستین رسین ریستی ہے۔ یکی از عوامل که به نظر مــن، مهم ترین عامل در تحصیل فرزندان به شــمار می رود، عامل خانوادگی است.بعضی از خانوادههابه خاطر بعضی عقایدسنتی و خرافاتی، مایل به تحصیل خصوصا دخترانشــان

. دلیل دیگر،فقریافقدان امکاناتی است که خانوادمها



سرباز معلمها،همه مي توانند تحصيل كنند. لذابنده خانوادهمار أمسئول لوليه بازماندن از تحصيل كودكان مے دانچ

وجوداين افرادبى سوادياكم سواددر آينده همه موارد-برای کشور مضر است.مسلماً امکان ورود این افراد به بزهکاری بیش از دیگران است. در قرن ۲۱، نهضت ســواد آموزی اعلام کرده است که بیش از ۹میلیون بی سواد در کشور وجود دارد. این افراد تخصص خاصی ندارند و در جامعه، کارهای ساده را متقبل میشوند؛ کارگری،نظافتو...

تأمین کند و دقیقا به همین منظور، خانواده ایی هستند که کودکان وفرزندانشان راوادار به کار کردن میکنند که تودن رو درمیدسین رو در به خر را میکنند تابتوانند خرچ خود رادر بیلورند. به طور کلی، اگر بخواهیم جمعیت دیای انجام دهیم؛ بایید دولت ها به احساط فرهنگی روی مسیم ، پریس طویم می به عاطر سینیمی روی خانوادهای مناطق محروم که به خاطر سینتهاو عقاید اصواب مانع از تحصیل فرزندانشان می شوند کار کنندوذهن ونگرش آنها رابه این موضوع تصحیح کنند؛ همچنیس دولتها موظفند که امکانات و تمهیدات لازم برای مدرســه ها فراهــم آورند تا این افراد نیز بتوانند مانند دیگر نقاط کشــور، از کیفیت افرادنیز بتوانند مانند دیگر نقاط کُشــور، اُز کیفیت آموزشی یکسانی برخوردار شــوند. درنهایت باید از لحاظ اقتصادى به اين مناطق وخانواده ها كمك كردو معاششان را تأمين كرد تابدون اجبار واحساس نياز به

پول، فرزندانشان را بدون دغدغه خاطر، به مدارس به منظور تحصیل علم فرستند.

رامىيىنم كەازمدرسەمى آيند،ناراحتواذيتمىشوم اما آقااين نيز بگذردودوبارەبەمدرسەبرخواھم گشت.



دانشآموزانی سخن گفت که به مدرسه، نوعیبازماندهاز آموزش به شمار می آیند!

مىدهد و فرصت داشتن ذهن پيچيده و دست يافتن به پيشهها و موقعيتهاي مهم اجتماعي را. بيشتر

به پیست هاو ومونعینیکای ملم جمعمایی را می ملند کودکانی که در ایران کنونیی از آموزش باز می ملنده میوزهد دوره ددستان بهدلیل فقر مالی خلوادهمان ناگفته پیداست که جنین کودکانی، سراز کجاها در می آورنـدو به چـه کارهایی می پردازند کافی است کی با آنان به گفتو گو بنشینیم تا به ژرفای حسرتی

پی بریم که در وجود خویش نسبت به کودکانی که به مدرسه میروند احسـاس میکنند. چند سال پیش،

دانش آموزی داشتم در سال نخست دبیرستان. در

چندی بعد، در یکی از مغازههای فروش لوازمخانگے

ر چهارراه سرچشمه تهران دیدمش. با کارگری دیگر اشـــت یخچالی را جابه جا می کرد. ایستادم تا کارش

تمام شــد. با هم کمی حرف زدیم. گفــت من ناگزیر م کار کنم. پدرم مردم حقوق مادرم هم آن قدر نیست که

يزينه من مادر و خواهر مرايدهد. يس بايد كار كنوراما

ی که شدم درسم را ادامه خواهم داد. می خواهم

نانشگاهبرومو تحصيلكر دهشوم.الان هموقتى دوستانم